

ایران

مساحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دبیری

آذان ظهر ۱۳/۰۴ | آذان مغرب ۳۷/۲۰ | نیمه شب شرعی ۰۱/۰۵ | آذان صبح فردا ۰۴/۴ | طلوع آفتاب فردا ۴۹/۵۶

امام‌علی علیه‌السلام:سیاس‌گزار می‌مؤمن در کردارش آشکار می‌شود، [اما] سیاس‌گزار می‌منافق از زبانش فراتر نمی‌رود.

سخن روز

عیون الحکم‌والمواعظ (لینی) ص۲۹۱،ج۵۲۰و۵۲۰



#بازنشستگان

فیلمی که از مصاحبه با مدیرعامل صندوق هشتگ | بازنشستگی کشوری در شبکه‌های اجتماعی پخش شد، ناراحتی بسیاری از کاربران را همراه داشت. در فیلم پخش شده این طور نشان داده می‌شد که اکبر افتخاری در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توانید با حقوق یک بازنشسته زندگی کنید، گفته است: «سطح زندگی ما با بازنشستگان متفاوت است و این دو موضوع به‌خاطر شرایط متفاوت، قابل مقایسه نیستند.» این پاسخ انتقادهای زیادی همراه داشت هرچند که گفته شد این بخشی تطبیع شده از مصاحبه بوده است. در فیلم کامل‌تر که توسط بعضی خبرنگاران منتشر شد، افتخاری می‌گفت «زندگی افراد متفاوت است اما به هرحال گذران زندگی برای کسانی که حداقل حقوق بازنشستگی را می‌گیرند سخت است و باید تلاش کنیم برای بهبود این شرایط.» اما این فیلم هم نتوانست انتقاد از افتخاری را کم کند و کاربران زیادی درباره‌اش نوشتند: «واقعاً از صحبتش می‌شه طرز تفکرش رو فهمید. راست می‌که خب سطح زندگی دوستان بالاست. هم خودشون هم خانواده و کمبود این سطح زندگی رو از صندوق برمی‌دارن.» «در مشروعیت و صلاحیت این آقا نظری ندارم چون بی اطلاع‌ام اما همه جای دنیا مدیریت یک صندوق بزرگ مالی، امری حرفه‌ای است و زندگی حرفه‌ای‌ها از هر نظر با دیگر عموم جامعه متفاوت است. پس تحقیقی را بگفت بدون سیاست‌ورزی. منتقدان فقط عوام‌فریبی می‌کنند.» «بعد اون بازنشسته به نظرتون چرا خرج چچه‌هاشو می‌ده چون کار نیست براشون. سخته فهمیدنش؟ نه»، «اصل اول روزنامه‌نگاری صداقت و بیان دقیق واقعیت‌ها است. علاقه برخی به سوءاستفاده‌های سیاسی از موضوعات اجتماعی باعث شده تا متن یک مصاحبه دستکاری شود. این اگر جعل نیست پس چیه؟»، «راست میگه ایشون. بازنشسته‌ها دندون درست حسایی ندارن لاجرم آجیل و گوشت و مرغ و ماهی نمی‌خورن. به برنج نیم‌دون می‌خوان با آب مرغ که اونم ارزونه. بازنشسته‌ها پای بیرون رفتن ندارن و مسافرت و گردش‌م از سنشون گذشته. مهمونی هم نرن و مهمون نیان اصلاً براشون بهتره.» «چه قانع کنده. یعنی بازنشسته‌ها چون سطح زندگی شون به مدل دیگه است حقوقاشون کمه یا بلعکس؟!»، «به مسئول خودرویی می‌گن خودت چرا ماشین داخلی سوار نمی‌شی؟ عصبانی می‌شه که توقع دارین من پراید سوار شم؟ به مسئول بازنشستگی وقتی می‌گن خودت می‌تونی با این حقوق زندگی کنی؟ می‌که سطح زندگی‌ها متفاوته ….. مگه شما کی بودین؟ کی هستین؟!»، «متوجه شدیم که اشکال در حقوق مصوب نیست و بازنشسته‌ها باید تنظیمات زندگی شون رو درست کنن که حقوق شون کفاف زندگی رو بده: «چرا سطح زندگی کسی که با حق بیمه بازنشستگی داره زندگی می‌کنه باید با خود بازنشسته خیلی متفاوت باشه اونم با این حالت شفع؟

شهروند مجازیگنگنه خدایی

مه‌ار آتش خائیز

بعد از چندین روز آتش‌سوزی در جنگل‌های **ماجر ا** زاکرس بالاخره دیروز خبر خوبی از مه‌ار آتش در منطقه حفاظت‌شده خائیز منتشر شد. این آتش با کمک نیروهای داوطلب، محیط‌بانان، ارتش و هلال احمر مهار شد هرچند که هنوز هم خطر وجود دارد و بخشی‌هایی از زاکرس به خصوص در گچساران در آتش می‌سوزند.کاربران ایرانی که این روزها تلاش کردن توجه‌ها را به آتش‌سوزی در زاکرس جلب کنند از این خبر خوشحال شدند و درباره‌اش نوشتند. هرچند که انتقاده‌ا از بی‌توجهی‌ها و کمبود امکانات همچنان ادامه داشت: «از نیمه‌های شب گذشته، ۳ صبح،شعله‌های آتش خائیز فروکش کرده و خوشبختانه در بخش کوهلیویه کاملاً خفه شده و در بهیچان هم فقط لکه‌های ریزی باقی مانده که مه‌ار خواهد شد. البته این به معنی این نیست که آتش دوباره جان نگیرد. تا سه روز آینده باید مراقبت از آتش خفته صورت بگیرد.» «به شهادت همه حاضران در صحنه آتش‌سوزی مناطق زاکرسی، بخصوص در خائیز این محیط‌بانان زحمتکش محیط بودند که بیشترین زحمت را کشیدند. البته نیروهای زیادی هستند که اگر تلاش آنها نبود، آتش مه‌ار نمی‌شد. از نیروهای



حمید فرخ نژاد: برای پادگان ۰۶ تلاش کردم

به واسطه پروژه عکاسی دوستم محوطه پادگان ۰۶ را از نزدیک دیدم و بعدتر عکس‌های هوایی پادگان را دیدم که نشان می‌داد آن محوطه قهوه‌ای و بی درخت شده اما خارج از آن سبز است و نشان می‌داد درختانش را خشک کرده‌اند. از طرفی ساختمان‌های زیبایی از دوران قاجار و پهلوی در آنجا باقی مانده که باید کاربری فرهنگی داشته باشند. تمام تلاش‌م را برای جلب توجه مسئولان کردم و با هر کس می‌توانستم، صحبت کردم و مطبوعات نیز خیلی کمک کردند.

این بازیگر سینما که دو سال پیش در اینستاگرامش به شرایط پادگان ۰۶ اعتراض کرده بود در گفت‌وگو با پایگاه خبری شهر از تبدیل آن به فضای عمومی استقبال کرد.

به مناسبت درگذشت حسن توفیق

توفیق، پایه‌گذار کارتون و کاریکاتور در ایران بود

گرفتیم. ایشان گفتند که بد مقطعی سراغ من آمده‌اید. چون خیلی چیزها یادم نمی‌آید. ایشان اگر یادشان نیاید همه کارتونیست‌ها یادشان می‌آید که ایشان حق بزرگی به گردن کاریکاتور ایران دارد و کارتون را به شکل درستی در مجله توفیق گذاشتند. بسیاری از کارتونیست‌هایی که اکنون پیشکوست این رشته هستند، بزرگ شده مکتب توفیق هستند و در آن مکتب رشد کرده‌اند. آقای توفیق بسیار خلاقانه برخورد می‌کردند و همین خلاقیت باعث شده بود که مجله توفیق با اقبال مواجه شود. یکی از کارهای خلاقانه ایشان این بود که زمانی این مجله را منتشر نکردند و به‌جای آن سماق در ده‌های روزنامه فروشی پخش کرده بودند تا مردم بمکنند تا هفته دیگر توفیق چاپ شود. با حزبی به اسم خران راه انداخته بودند. حتی برای اعضای حزب، کارت عضویت سبز رنگی ساخته بودند و هرکس عضوش بود آن کارت را داشت. یک نمونه هم آقای توفیق برای خودش چاپ کرده بود که به ما ایشان دادند. با دوستانی که به‌ساختمان مجله توفیق رفته بودند شرایط آنجا را طنزآمیز توصیف کرده بودند. مجله توفیق تنها یک مجله نبود یک جهان بینی ساری و جاری در شئونات آن مجله بود.

اجرای آنلاین جای نمایش زنده را نمی‌گیرد

در این روزها و پس از اینکه به‌دلیل شیوع بیماری کرونا سالن‌های نمایش تعطیل شدند و نمایش‌روی صحنه نرفت‌شاهد اجرهای آنلاین و پخش فیلم بعضی از نمایش‌ها بودیم. اما به نظر من ارتباط میان تئاتر و تماشایگرایش به این شکل خیلی کم برقرار شد چون تئاتر یک هنر زنده است. با تمام احترامی که برای سینما و فیلم قائلم اگر می‌شد تئاتر به‌صورت فیلم دربیاید پس تفاوت آن با فیلم و سینما چیست؟ شما فیلم را زمانی می‌بینید که ممکن است حتی بازیگرش دیگر در قید حیات نباشد. تماشاکر حضور بازیگر را نفس به نفس احساس نمی‌کند. در سینما نمایی را که کارگردان خواسته می‌بینید ولی در تئاتر آزادید هر قسمتی از صحنه را که دوست داشتید ببینید. لذت تئاتر به همین ویژگی‌هاست که در تئاتر آنلاین و نمایش فیلم اجرا این لذت حداقل کمرنگ می‌شود. به‌نظر من تلاش‌های این مدت هرچند که ارزنده بود اما نشان داد نمی‌تواند جایگزین اجرای تئاتر شود چون ویژگی اصلی این هنر زنده بودن و نفس به نفس با تماشاکر بودن است. علاوه بر پخش فیلم اجرا، بازیگران خوبی هم اجرای آنلاین داشتند اما وقتی به من پیشنهاد شد استقبال نکردم به این دلیل که به نظر من اجرای آنلاین ویژگی اصلی تئاتر را ندارد. شاید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اجراهای آنلاین و پخش فیلم نمایش‌ها این است که تماشاکر هر زمان که دوست داشته باشد می‌تواند فیلم اجرا را ببیند. پخش آنلاین یعنی هر زمان که بخوایم بتوانم فیلم آن تئاتر را ببینم. اما این اجراها هیچ وقت جایگزین اجرای زنده تئاتر و لذت تماشايش نمی‌شوند. در این مدت با تعطیلی سالن‌های تئاتر سؤال من این بوده که چرا نباید سالن‌های تئاتر باز شوند؟ اکنون مترو با آن حجم مسافر فعال است و مدیران مترو برای رعایت پروتکل‌ها صندلی‌ها را فاصله‌گذاری کرده‌اند. این اتفاق در سالن‌های تئاتر هم می‌تواند بیفتد. یعنی مدیران در حالی که به سالن‌ها اجازه می‌دهند به اندازه بخشی از ظرفیت سالن‌شان بلیت بفروشند می‌توانند بقیه بلیت‌ها را از مدیران تماشاخانه‌ها خریداری کنند. در این صورت تماشاگری که به سالن تئاتر می‌آید کنار یک صندلی خالی می‌نشیند که هزینه آن توسط مدیران فرهنگی و هنری کشور پرداخت شده است. این بهترین حمایت از تئاتر است و باعث می‌شود این هنر زکود پیدا نکند. از ابتدای اسفند سالن‌های نمایش تعطیل است و تئاتری اجرا نشده. این یعنی بخشی از بودجه سالانه تئاتر مورد استفاده قرار نگرفته است. پس می‌شود این بودجه را برای حمایت از تئاتر در این شرایط استفاده کرد. از طرفی تماشاگران تئاتر از طبقه متوسط و فهمیم جامعه هستند و فرهنگ بالایی دارند و اصول بهداشتی مربوط به این بیماری را رعایت می‌کنند. با حمایتی که انجمن هنرهای نمایشی انجام می‌دهند سالن‌ها می‌توانند بازگشایی شوند و تماشاگران با رعایت اصول دوباره به سالن‌ها بازگردند و تئاتر تماشا کنند.



یکی از امتیازات بزرگی که حسن توفیق از آن برخوردار بود این بود که ایشان هیچ گاه تسلیم قدرت نشدند. خیلی از طنزهای ایشان قبل از انقلاب به مذاق حکومت خوش نمی‌آمد. کاریکاتور ایران دارد و کارتون را به شکل دولت کشیده بود که یکی از سهامداران مجله توفیق ثاب به نوعی بر آن نظارت کند. این پیشنهاد از طرف هویدا به حسن توفیق شد اما او نپذیرفت.

هر محصول فرهنگی یا هنری شبیه صاحبش می‌شود و قد و انداز‌اش هم اندازه صاحب آن نشریه می‌شود. توفیق شاینیتش را از حسن توفیق گرفته بود. مسلک توفیق را داشت. وقتی دولت پهلوی به تعدادی از مدیرمسئولان آن دوره وجوهانی داده بود تا نظر دولت را جلب کند تنها کسی که این وجه را نپذیرفته بود حسن توفیق بود.

بنابر این همان‌طور که ایشان آدم خاصی بودند محصولشان هم خاص بود. ما ۴۰ سال از ایشان بی‌خبر بودیم. با اینکه ذکر خیرشان بود. ۴ دهه بی‌خبر بودیم و نسبت به ایشان ناسپاسی کردیم. خوشحالیم که بعد از چهار دهه توانستیم ایشان را ببینیم و از هادی حیدری و دوستانی که در کتابخانه ملی برای ایشان مراسم بزرگداشت گرفتند، قدردانی می‌کنیم.

رونمایی رسمی از طرح شکست خورده مدیر شبکه ۳

فوتبال در این مدت تعطیل بوده و همین مساله می‌تواند دلیل روشنی برای کاهش داخلی هسئید و همچنان جزو طرفداران اروپا قـرص برنامه تعطیل شد نبود، اگر جزو شـبکه‌های مختلف سیما هستیـد و از اینـها مهم‌تر اگر معتقدید هـیچگاه ماه پـشت ابر نمی‌ماند و بالاخره حقیقت برملا می‌شود، چند سـطری که در ادامه می‌آید را بخوانید. لیستی که ۳ روز پیش مرکز تحقیقات رسانه ملی منتشر کرد، حاوی نکته‌ای مهم و قابل تأمل است. نظرسنـجی مرکز تحقیقات رسانه ملی درباره پرمخاطب‌ترین برنامه‌های تلویزیون در اردیبهشت۹۶ بود که مشخص شد برنامه جایگزین نود پـشت با قول مخاطب مواجه است. براساس این نظرسنجی، ۱۰ برنامه پرمخاطب تلویزیون در میان شبکه‌های مختلف مشخص شدند که برنامه فوتبال برتر در رده نازل هشتم قرار دارد و برنامه‌هایی چون کودک شو، مستند حیات وحش و به‌خانه برمی‌گردیم، گوی سبقت را از آن بروده‌اند. به‌عبارتی فقر بیننده در محمدحسین میثاقی و فوتبال برتر حسایی نمایان شده است. برنامه‌ای که قرار بود نه تنها جای عادل فردوسی‌پور رود را پر کند، بلکه حالا با گذشت بیش از یک سال از آن اتفاق، بسیاری از فوتبال‌دوستان معتقدند کیفیت فوتبال‌های ورزشی بخصوص فوتبالی شدت افت کرده و از سویی در نبود برنامه نود، مسائل و حواشی فوتبال ایران به دست فراموشی سپرده شده و دیگر کسی نیست تا مسئولان را وادار به پاسخگویی کند. با این اوصاف، شاید بتوان آمار منتشر شده توسط مرکز تحقیقات رسانه ملی را رونمایی رسمی از طرح شکست خورده فروغی مدیر شبکه ۳ دانست؛ طرحی که با حذف چهره تاثیرگذاری چون فردوسی‌پور وارد فاز اجرایی شد اما هیچ‌گاه نتوانست جایگزینی مناسب و ایده‌آل برای برنامه نود باشد.

عکس نوشت

خانه نزار قبانی شاعر معروف سوری، فروخته می‌شود. این **خانه که خود شاعر آن را به شیشه‌عطر تشبیه کرده بود در یکی از محله‌های قدیمی دمشق قرار دارد و سال‌ها پیش شخصی آن را از نزار پز قبانی خریده بود. مالک فعلی این خانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ ساله می‌گوید: «ما سعی کردیم تا این خانه به‌صورت یک خانه قدیمی سوری و به‌همان شکل اصیلش باقی بماند فقط در طبقه بالا تعدادی اتاق اضافه کرده‌ایم. درختان پلاس، لیمو و نارنج همان‌طور که بوده‌اند باقی مانده‌اند.» وزارت فرهنگ و گردشگری سوریه این خانه را به‌عنوان خانه یک شخص معروف و محلی برای بازدید در نظر گرفته اما هنوز هم این ملک، یک ملک شخصی است و خانواده‌ای که اکنون صاحب خانه قبانی‌ها هستند این خانه را به‌فروش گذاشته‌اند و امیدوارند کسی که خریدار این خانه است، اهمیت فرهنگی آن را درک کرده و از آن مراقبت کند.**

نگاهی به بازتاب رسانه‌ای قتل رومینا اشرفی

رسانه‌ها در نقش حواس جدید مردم

داستان قتل کودک ۱۳ ساله به‌نام رومینا اشرفی در روزهای اخیر جامعه و به‌ویژه حوزه عمومی ایران را متأثر ساخته است. به‌سرعت قتل رومینا به روایت رسانه‌ای بزرگی تبدیل شد و لحظه مهمی در فضای فکری و فرهنگی ایران بود. این قتل زمینه مهمی شد که بخشی از موقعیت پرتشن جامعه ایران خود را آشکار کند. در فرآیند عینیت بخشی و آشکارسازی

بسیاری از تنش‌ها، تضادها و تعارضاتی که در خانواده، زندگی روزمره

و فضای اجتماعی ایران وجود دارد، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام و اینستاگرام بازیگران مهمی بودند. هزاران عکس، فیلم، خبر، گزارش، شعر، داستان، اظهارنظر و تحلیل و تفسیر از این ماجرای ترازیک خلق و منتشر شد. پرسشی که اکنون در برابر ما قرار دارد این است که این روایت گری و تفسیرگری از حادثه ترازیکی مانند قتل کودک ۱۳ ساله چرا انجام می‌گیرد؟ آیا با بازناما ساختن صوتی، تصویری و مکتوب این قتل می‌توان در مسیر بهبود جامعه و روابط انسانی و اجتماعی در ایران امروز گامی برداشت یا خیر؟ می‌خواهم با توجه به تحلیل فرهنگی که ارائه می‌کنم توضیح دهم که انعکاس رخ داده‌ها و ویژه رخ داده‌های ترازیک و ویرانگر در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها بخشی از دنیای جدید است و جوامع تلاش می‌کنند از این طریق با کمک تفسیر فرهنگی امکانی برای رها ساختن جامعه از قید عوامل و نیروهای ویرانگر، محدودساز، تبعیض آفرین و سرکوب گر انجام دهند. «نیگمونت باومن» نظریه پرداز اجتماعی بلندآوازه معتقد است رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی فرصت‌های تازه‌ای در اختیار شهروندان دنیای امروز قرار می‌دهند. در این جامعه به اعتقاد او پسادمرن، نامی نتوانیم صرفاً براساس رویکرد شکل گرفته در دنیای مدرن (طراحی و برنامه ریزی و نظارت) امکان بهتری برای زندگی اجتماعی فراهم کنیم. به‌صورت فهرست وار این امکان‌ها را توضیح می‌دهم:

۱- بازتاب گسترده حوادث و رویدادهای انسانی و اجتماعی مانند قتل رومینا اشرفی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی این امکان را فراهم می‌کند تا جامعه آینه‌ای در برابر خود قرار دهد. این آینه امکان شنیده و دیده شدن صداها موقعیت‌ها و حوادثی را می‌دهد که در وضعیت‌های زیر خروارها حوادث ریز و درشت دیگر پنهان مانده‌اند. بدون وجود این آینه می‌تواند این عفونت‌ها گسترش یافته و به تدریج سراسر بدن جامعه را آلوده سازد. ۲- رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی از طریق بازناما ساختن رویدادهای ترازیک و موقعیت‌های خشونت‌بار این امکان را فراهم می‌کنند که همه شهروندان و نه صرفاً سیاستمداران، مدیران یا گروه‌های خاص به شیوه‌های گوناگون درگیر موقعیت اجتماعی شوند. درگیر شدن با موقعیت‌های اجتماعی این فرصت را می‌دهد که نوعی احساس مسئولیت و پاسخگویی برای همگان به‌وجود آید. ۳- رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی از طریق ایجاد کردن فرصت برای درگیری شهروندان و گروه‌ها در تفسیر و تاولیل موقعیت‌ها و رخ داده‌های اجتماعی این امکان را فراهم می‌کنند که جامعه به بازاندیشی و نقد کلی خود بپردازد. در حادثه‌ای مانند قتل رومینا اشرفی مشاهده می‌کنیم که چگونه پرونده این قتل با روایت‌های سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی گوناگون مفصل بندی می‌شود. در این فرایند مفصل بندی کردن پرونده قتل با مسائل بزرگ در جامعه اتفاقی که شکل گرفته عبارتست از تلاش جمعی برای بازاندیشی انتقادی که جنبه‌های جامعه ایران در گذشت آن. ۴- رسانه‌ای شدن پرونده این قتل و پرونده‌های مشابه آن بخشی از عملکرد فرهنگ در جامعه امروز است. بازنمایی رسانه‌ای رخ داده‌ها در جهان امروز صرفاً فعالیتی مجازی یا بازنمایی تصویری این است که آنچه رسانه و فضای مجازی انجام می‌دهد باید به‌مهمی از ساز و کار فرهنگ و چگونگی فرویزی یا بازسازی معنا در جامعه امروز است. از این رو نباید به عملکرد رسانه‌ای شدن رخ داده‌ها و موقعیت‌ها در جهان رسانه به منزله نوعی آسیب یا بافت صدمه دیده حیات اجتماعی نگاه کرد. جهان رسانه‌ای وجه بنیادین ساختاریافته امروز ماست. از این رو وقتی حادثه‌ای مانند قتل رومینا اشرفی رسانه‌ای می‌شود به بیان دیگر باید گفت این است که بازاندیشی فرهنگی و اجتماعی در جهان امروز با این بازنمایی‌ها زندگی می‌کنیم، می‌اندیشیم و احساس می‌کنیم. «هربرت مارکوزه» فیلسوف و نظریه پرداز بلندآوازه معاصر مفهومی دارد به‌نام «حساسیت جدید» که در ده‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی از آن سخن گفت. منظور مارکوزه این بود که جامعه امروز به شیوه متفاوتی جهان را لمس می‌کند. حواس ۵ گانه ما و شیوه‌های تجربه کردن ما در جهان دگرگون شده است. رسانه‌ها سنسورها و حواس جدید ما هستند که حساسیت جامعه و انسان امروزی را شکل می‌دهند. پرونده قتل رومینا و شیوه رسانه‌ای شدن آن نمونه‌ای است از حساسیت جدید در جامعه ما. تلویزیون‌ها، ماهواره‌ها، مطبوعات، شبکه‌های اجتماعی و به‌طور کلی رسانه، حساسیت انسان امروز را تحریک می‌کند یا دقیق‌تر بگوییم رسانه همان حساسیت جدید ماست. رسانه‌ها همانطور که فرهنگ حساسیت جدید را شکل داده‌اند به همان شکل نیز خود را زیر ذره بین قرار می‌دهند. رسانه‌ها هم جامعه را رسانه‌ای می‌کنند و هم خودش‌ان را در آینه خودشان بازناما می‌سازند. ما برای داشتن جامعه‌ای منصفانه‌تر عادلانه‌تر اخلاقی‌تر و انسانی‌تر باید بکوشیم. امروز اگر رسانه‌ها پرونده قتل کودکان را زیر ذره بین و دوربین خود قرار داده‌اند به معنای این است که شیشه‌ها، گوش‌ها، دها و زبان ما به‌صورت جمعی تمام لحظه‌های زندگی ما را می‌بیند، می‌شنوند، می‌خواند، می‌فهمد و می‌داند. از این رو باید در مواجهه با رسانه‌ای شدن رخ داده‌ا آگاهانه‌تر به جایگاه رسانه و پیوند آن با فرهنگ بیندیشیم.

«من کامل‌ا این یادداشت را در ایران آنلاین بخوانید»

